

مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی)، شماره ۱۹، نیمه دوم سال ۱۳۸۵

بررسی جایگاه استانهای کشور از منظر شاخص توسعه انسانی^۱

دکتر صادق بختیاری*
مجید دهقانی زاده**
سیدمجتبی حسین پور***

چکیده

آمال و آرزوی هر کشور و جامعه ای، دست یابی به رفاه و آسایش بیشتر، جبران عقب ماندگی و کاهش آلام و بدبختیها و به عبارتی زندگی بهتر برای افراد جامعه است. مسلماً، رسیدن به چنین اهدافی نیازمند توسعه ای پایدار می باشد که در آن به تمامی ابعاد و جنبه های توسعه به طور همزمان توجه شده باشد. از میان ابعاد مختلف توسعه، بحث انسان و منابع انسانی جایگاه منحصر به فرد و بی بدیلی دارد. چراکه، از انسان هم به عنوان هدف توسعه و هم به عنوان ابزار توسعه یاد می شود. بر این اساس در این مقاله سعی شده است، ضمن شرحی بر ساختار شاخص توسعه انسانی و شاخصهای تکمیلی آن و ارائه پیشنهادهایی جهت واقعی تر شدن نتایج در سطح استانها، جایگاه استانهای کشور از این حیث مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

نتایج به دست آمده در زمینه شاخص توسعه انسانی متداول بر اساس آمار و اطلاعات سال ۱۳۸۰ نشان می دهد که استانهای تهران، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، اصفهان و یزد برترین استانها در سطح کشور می باشند. استفاده از مقادیر تولید ناخالص داخلی استانها برای محاسبه سنجه درآمد سرانه سبب گردیده است تا نتایج حاصل در برخی موارد با واقعیت توسعه یافتگی استانها چندان مطابقت نداشته باشد. به منظور رفع چنین نقیصه ای، از هزینه خانوارها در محاسبه درآمد سرانه استفاده شده که این عمل، واقعی تر شدن نتایج را به دنبال داشته است. در این راستا استانهای تهران، اصفهان، گیلان، یزد و سمنان در رده های برتر کشور قرار گرفته اند. در زمینه شاخصهای تکمیلی توسعه انسانی نیز به دلیل کمبود آمار و اطلاعات، تنها امکان محاسبه شاخص توسعه وابسته به جنسیت وجود دارد. در شاخص مذکور بر اساس روش پیشنهادی، استانهای تهران، گیلان، اصفهان، یزد و مازندران از وضعیت مناسبتری در سطح کشور برخوردارند. بدین مفهوم که این استانها در زمینه توسعه انسانی کمترین نابرابریها را در میان زنان و مردان داشته اند.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، منابع انسانی، شاخص توسعه انسانی، هزینه خانوار

۱) نویسندگان وظیفه خود می دانند که از داوران بی نام و همچنین آقایان محمدرضا نبی و رضا ولی زاده به خاطر نظرات ارزنده ای که در خصوص مقاله ابراز داشته اند تشکر و قدردانی نمایند.

* عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

*** کارشناس ارشد برنامه ریزی سیستمهای اقتصادی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان یزد

مقدمه

توسعه و توسعه یافتگی از جمله مباحثی است که همواره ذهن سیاست گذاران و برنامه ریزان را به خود مشغول کرده است. کشورهای مختلف و حتی مناطق تشکیل دهنده آنها خواهان دست یابی به سطحی از توسعه معتدل و پایدار هستند که بتواند به بهبود زندگی تمامی مردمان بینجامد.

اما این که توسعه چیست و انتظار مردم و جامعه از این فرآیند چیست، اصلی ترین سئوالی است که شاید پاسخ واحدی به آن داده نشده است. تعاریف مختلف و متعددی از توسعه ارائه شده است که به رغم متفاوت بودن آنها، همگی بر گستردگی و چند بعدی بودن توسعه اتفاق نظر داشته و غایت آن را بهبود شرایط زندگی و یا به عبارتی زندگی بهتر و برتر برای تمامی نسلها می دانند.

هرچند اندازه گیری و محاسبه کمی توسعه یافتگی کشورها و مناطق به دلیل ماهیت توسعه، امری کاملاً شدنی نیست، لکن شرط اساسی موفقیت برنامه های توسعه بحث نظارت بر برنامه و همچنین ارزیابی میزان تاثیر گذاری آن بر مؤلفه های مختلف توسعه است. از این رو، متخصصان امور توسعه و ارگانهای مختلف سعی کرده اند با استفاده از روشها و شاخصهای مختلف، سطح توسعه یافتگی را ارزیابی نموده و بر اساس آن به مقایسه مناطق مختلف با یکدیگر و همچنین بررسی بهبود و یا عدم بهبودی وضع آنها در زمانهای گوناگون بپردازند.

در این راستا مدلها و روشهای مختلفی مورد استفاده قرار گرفته که هر کدام از آنها دارای مزایا و معایب خاص خود می باشند. گاتمن، تاکسونومی عددی، ناموزون موریس، تحلیل عاملی و...، از جمله روشهایی هستند که می توان با استفاده از آنها و با به کارگیری شاخصهای مختلف، به بررسی سطح توسعه یافتگی و میزان برخورداری و محرومیت مناطق مختلف پرداخت. در روشهای مذکور نوع شاخص انتخابی بسیار مهم بوده و در نتایج حاصل نقش اساسی دارد.

شاخصهای ترکیبی متعددی نیز جهت ارزیابی سطح توسعه یافتگی ارائه شده اند که از آن جمله می توان به شاخصهای کیفیت زندگی و توسعه انسانی^۱ (HDI) اشاره کرد. شاخص توسعه انسانی شاخصی ترکیبی است که اخیراً برنامه توسعه ملل متحد^۲ جهت بررسی وضعیت کشورهای مختلف از حیث توسعه انسانی، آن را مورد استفاده قرار داده است.

مقاله حاضر سعی دارد ضمن شرحی بر ساختار شاخص توسعه انسانی، جایگاه استانهای کشور را از

1) Human Development Index

2) United Nations Development Program (UNDP)

این حیث مورد بررسی قرار داده تا شناخت نسبی از وضعیت توسعه یافتگی استانها حاصل گردد. بر این اساس مقاله در پنج بخش به شرح زیر تنظیم شده است.

بخش اول: شاخص توسعه انسانی، مؤلفه های آن و نحوه محاسبه شاخص

بخش دوم: محدودیتهای شاخص توسعه انسانی و تعدیلات آن

بخش سوم: شاخصهای مکمل شاخص توسعه انسانی

بخش چهارم: محاسبه شاخصهای توسعه انسانی برای استانهای کشور شامل:

الف - روش متداول و مشکلات آن

ب- روش پیشنهادی (استفاده از شاخص هزینه سرانه خانوار به جای درآمد سرانه خانوار)

بخش پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری.

۱ - شاخص توسعه انسانی، مؤلفه های آن و نحوه محاسبه شاخص

شاخص ترکیبی توسعه انسانی (HDI) اولین بار در سال ۱۹۹۰ توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد برای رتبه بندی کشورها از لحاظ توسعه منابع انسانی مورد استفاده قرار گرفته است. این مدل، قابلیت کاربرد و گسترش در سطح کلان (بین کشورها) و جزئی تر (بین مناطق) را داراست. به طوری که می توان با استفاده از این الگو و با به کارگیری شاخصهای مختلف، شاخصی ترکیبی برای تعیین جایگاه کشورها و یا مناطق مختلف به دست آورد.

شاخص توسعه انسانی یک معیار ساده و خلاصه است که سه بعد از مفهوم توسعه انسانی را شامل می شود:

۱- برخورداری از زندگی طولانی و سالم

۲- تحصیلات

۳- برخورداری از استانداردهای شایسته و آبرومندانه زندگی

بر این اساس، معیار اخیر، سنجه های امید به زندگی، ثبت نام در مدارس، باسوادی و درآمد را در بر گرفته و در مقایسه با استفاده صرف از شاخص درآمد، امکان رسیدن به دیدگاهی گسترده تر نسبت به توسعه کشور را فراهم می آورد^۱

(۱) برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۱۳۸۲)، ص ۹۲.

به بیان دیگر عناصر تشکیل دهنده (HDI) را می توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- امید به زندگی در بدو تولد: این شاخص که بیانگر طول عمر است، تعداد سالهای مورد انتظار هر فرد برای زندگی را در بدو تولد نشان می دهد. به عبارات دیگر امید به زندگی در بدو تولد عبارت است از: تعداد سالهای زندگی یک نوزاد در صورتی که الگوهای غالب در نرخهای مرگ و میر گروههای سنی مختلف، در تمام طون زندگی کودک و تا پایان عمر وی ثابت بماند^۱

۲- دانش: شاخص مذکور دستاورد نسبی هر کشور در زمینه باسوادی و تحصیلات را نشان می دهد. به بیان دیگر شاخص دانش، ترکیبی از دو شاخص نرخ باسوادی بزرگسالان و نسبت ترکیبی خام ثبت نام در مدارس ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی است.

برای محاسبه شاخص دانش به نرخ باسوادی بزرگسالان (افراد ۱۵ سال به بالا) ضریب دو سوم و به نرخ خام ثبت نام در مدارس ضریب یک سوم داده می شود و از جمع آنها شاخص مورد نظر حاصل می گردد.

۳- سرانه تولید ناخالص داخلی: شاخص مورد نظر معرف سطح زندگی افراد یک کشور یا منطقه بوده و از طریق نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت، به دست می آید.

در شاخص توسعه انسانی، درآمد به عنوان یک جایگزین برای تمامی ابعاد توسعه انسانی به کار گرفته می شود که در آن معیارهای زندگی طولانی و سالم و تحصیلات لحاظ نشده اند. از آن جایی که دست یابی به یک سطح قابل قبول از توسعه انسانی صرفاً نیازمند درآمد نامحدود نیست، لذا درآمد باید اصلاح و تعدیل گردد. بنابراین در محاسبات از لگاریتم درآمد استفاده می شود^۲.

همان طور که ملاحظه شد شاخص توسعه انسانی از سه شاخص جزئی ترکیب یافته است که از نظر واحد کاملاً ناهمگن هستند. شاخص طول عمر (امید به زندگی) برحسب سال اندازه گیری می شود. نرخ باسوادی و خام ثبت نام برحسب درصد بیان می گردد و بالاخره این که درآمد سرانه (سرانه تولید ناخالص داخلی) واحدی پولی دارد. بنابراین برای ترکیب آنها لازم است تا مقیاسها یکسان گردد. از این رو دامنه ارزشها برای هر کدام از شاخصهای مورد نظر به مقادیری بین صفر و یک تعدیل می گردد.

تعدیل و همگن سازی شاخصها به مقادیری بین صفر و یک با استفاده از رابطه زیر صورت می پذیرد:

$$\text{شاخص تعدیل شده} = \frac{\text{حداقل مقدار شاخص} - \text{مقدار واقعی شاخص}}{\text{حداکثر مقدار شاخص} - \text{حداقل مقدار شاخص}}$$

(۲) همان مأخذ، ص ۳۷۸.

(۱) همان مأخذ، ص ۴۱۱.

در ابتدا مقادیر حداقل و حداکثر هر کدام از شاخصها به ترتیب به بهترین و بدترین سطح عملکرد کشورها و مناطق در آن شاخص مرتبط بود. به عبارتی حداقل و حداکثرها به صورت نسبی و از میان مقادیر حاصل شده از عملکرد کشورها و مناطق مورد مطالعه حاصل می گشت. از این نظر، شاخص توسعه انسانی هر کشوری به صورت موقعیت آن کشور نسبت به بهترین و بدترین کشور سنجیده می شود. از آن جایی که به تناسب عملکرد کشورهای واقع در دو نهایت (حداقل و حداکثر)، حداکثرها و حداقلها هر ساله تغییر می یابند، این نوع مقیاس سازی نمی تواند نتیجه قابل قبولی را به ویژه در طول زمان ارائه نماید. زیرا ممکن است کشوری عملکرد خود را از بابت امید به زندگی یا آموزش و پرورش و یا سرانه در آمد بهبود بخشد، اما در عین حال به دلیل عملکرد بهتر کشورهای واقع در صدر یا زیر فهرست، شاهد تنزل شاخص توسعه انسانی خود باشد. به بیان دیگر به دلیل تغییرات سالیانه حداقل و حداکثرها (تیرهای دروازه) امکان مقایسه های معنی دار در طول زمان سلب می گردد، چرا که شاخص توسعه انسانی یک کشور به دلایلی که ارتباطی به عملکرد آن ندارد، از سالی به سال دیگر تغییر می کند.^۱

تلاشهای زیادی جهت تعیین مقادیر ثابت حداقل و حداکثر برای دوره ای طولانی مدت صورت پذیرفته است تا از این طریق امکان سنجش و مقایسه بهتر میان کشورها و موقعیت هر کشور در طول زمان فراهم گردد. در این راستا حداقلها عبارتند از حداقل هایی که به طور تاریخی، در طول ۳۰ سال گذشته مشاهده شده اند و حداکثرها عبارتند از حدهای نهایی که می توان طی ۳۰ سال آینده تصور نمود.

حداقل و حداکثرهای ثابت جهت اجزای شاخص توسعه انسانی بر اساس اطلاعات جمعیتی، پزشکی، نرخهای رشد اقتصادی و . . . به صورت جدول شماره ۱ است.

جدول (۱) حداقل و حداکثرهای ثابت برای اجزای شاخص توسعه انسانی

جزء	شاخص معرف	واحد	حداقل	حداکثر
طول عمر	امید به زندگی در بدو تولد	سال	۲۵	۸۵
دانش	نرخ باسوادی بزرگسالان	درصد	۰	۱۰۰
سطح زندگی	نرخ خام ثبت نام در مدارس	درصد	۰	۱۰۰
	سرانه تولید ناخالص داخلی (درآمد سرانه)	دلار	۱۰۰	۴۰۰۰۰

Source: Human Development Report 2005, P341

بر اساس اطلاعات جدول، بالاترین امید به زندگی قابل تصور، برابر ۸۵ سال، حداکثر نرخ باسواد و نرخ ثبت نام در مدارس ۱۰۰ درصد و حداکثر درآمد سرانه ممکن برای ثروتمندترین کشورها ۴۰۰۰۰ دلار می باشد.

با تعدیل شاخصهای امید به زندگی، نرخ باسواد بزرگسالان، نرخ خام ثبت نام و درآمد سرانه (به مقادیر بین صفر و یک) و محاسبه بعدهای طول عمر، دانش و سطح زندگی بر اساس روابط و معیارهای بیان شده، امکان محاسبه شاخص ترکیبی توسعه انسانی فراهم می گردد. بدین ترتیب که کافی است از سه جزء تعدیلی طول عمر، دانش و سطح زندگی میانگین حسابی گرفته شود. به عبارت دیگر:

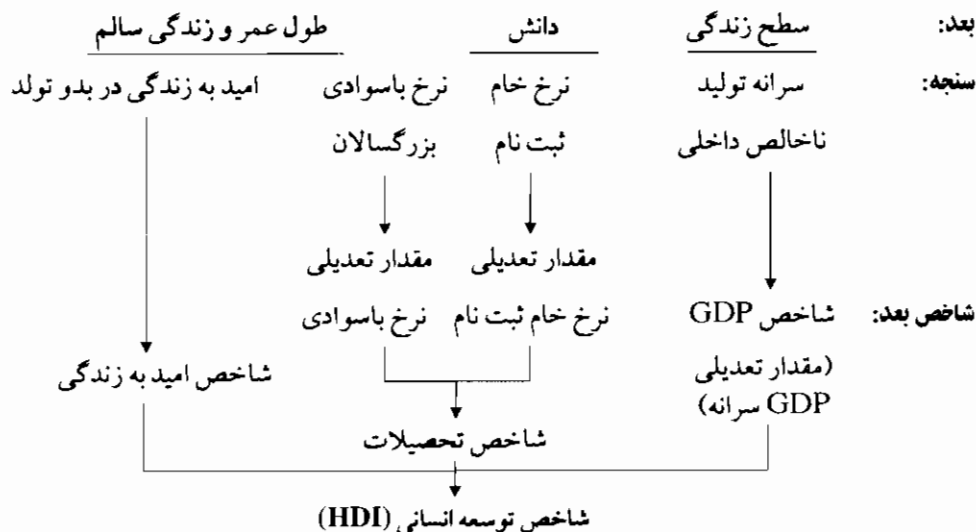
$$(\text{شاخص سطح زندگی}) * \frac{1}{3} + (\text{شاخص دانش}) * \frac{1}{3} + (\text{شاخص طول عمر}) * \frac{1}{3} = \text{شاخص توسعه انسانی}$$

که در آن مقدار تعدیلی امید به زندگی در بدو تولد = شاخص طول عمر

$$+ (\text{مقدار تعدیلی نرخ باسواد بزرگسالان}) * \frac{2}{3} \\ \text{شاخص دانش} = (\text{مقدار تعدیلی نرخ ثبت نام در مدارس}) * \frac{1}{4}$$

مقدار تعدیلی سرانه تولید ناخالص داخلی = شاخص سطح زندگی

به طور کلی فرآیند محاسبه شاخص HDI را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:



Source: Human Development Report 2005, P340

برنامه توسعه سازمان ملل، با استفاده از مقدار به دست آمده برای شاخص توسعه انسانی کشورها و مناطق را در سه سطح توسعه انسانی پایین، متوسط و بالا طبقه بندی می نماید. بدین صورت که کشورهای دارای شاخص پایین تر از ۰/۵ به عنوان کشورهای دارای سطح توسعه انسانی پایین، کشورهای واقع در فاصله ۰/۵ و ۰/۸ دارای سطح متوسط و کشورهای بالاتر از آن دارای سطح پیشرفته تلقی می شوند^۱

۲- مشکلات و محدودیتهای شاخص توسعه انسانی و تعدیلات آن

شاخص HDI علی رغم دارا بودن مقبولیت جهانی، سادگی و برخی قابلیت‌های دیگر، دارای کاستیها، محدودیتها و مشکلاتی نیز هست.

شاخص مذکور به دلیل آن که از متوسطهای ملی بهره می گیرد، نمی تواند تمام واقعیتها را بیان کند. در این ارتباط واقعیت‌های بسیاری در مورد گروه‌های مختلف جمعیتی - مردان و زنان، مناطق شهری و روستایی، اغنیا و فقرا (به ویژه جمعیت در حال رشد فقرای شهری) یا نژادها و گروه‌های مختلف قومی مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی گیرند.

به عبارت دیگر از آنجایی که شاخصهای به کار رفته در توسعه انسانی به صورت کلی بیان می شوند، نتایج حاصل نمی تواند بیانگر تمام واقعیات یک کشور یا منطقه باشد. به عنوان مثال، درآمد سرانه به عنوان شاخص سطح زندگی و رفاه اقتصادی، هیچ گاه بیانگر نحوه توزیع درآمد نیست و چه بسا ممکن است کشوری دارای سطح درآمدی بالا باشد ولی توزیع درآمد در آن بسیار ناعادلانه بوده و عده زیادی از مردم از درآمد پایین رنج ببرند. و بر عکس درآمد سرانه بالا، لزوماً تضمین کننده سطوح بالای توسعه انسانی نیست. همین طور ممکن است نرخ باسوادی در منطقه یا کشوری بالا باشد، اما در گروه‌های جمعیتی خاص مثل زنان و یا روستاییان پایین باشد.

همچنین در این شاخص برخی جنبه‌های حیاتی توسعه انسانی نظیر توانایی مشارکت در تصمیم گیریهای اثر بخش بر زندگی، لحاظ نمی گردد. یعنی این که هر کس می تواند ثروتمند، سالم و تحصیل کرده باشد ولی اگر توانایی مورد اشاره را نداشته باشد، از نظر توسعه انسانی در جا می زند. همچنین حذف ابعاد مربوط به آزادیها از شاخص توسعه انسانی از دیگر محدودیتهای این شاخص به شمار می رود. به طوری

که شاخصهای آزادی انسانی^۱ و آزادیهای سیاسی^۲ در این راستا معرفی گردیده اند.

چنان که اشاره شد، هر چند شاخص توسعه انسانی متداول، معیار مناسبی جهت بررسی وضعیت توسعه سرمایه انسانی در کشورها و مناطق مختلف به شمار می رود، به دلیل استفاده از معیارهای متوسط ملی هیچ گاه نمی تواند تمام واقعیات مربوط به یک کشور و یا منطقه را به طور کامل پوشش دهد. به بیانی دیگر شاخص توسعه انسانی نمی تواند نمایانگر مناسبی جهت نمایش واقعیات و اطلاعات مربوط به گروههای مختلف جمعیتی (شهری و روستایی، زنان و مردان و...) باشد.

بر این اساس با روشهای گوناگونی، شاخص توسعه انسانی پایه مورد تعدیل قرار گرفته است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- شاخص توسعه انسانی تعدیل شده بر حسب نابرابری جنسیتی (این مورد در بخش شاخصهای تکمیلی به طور مفصل مورد بحث قرار گرفته است)

۲- شاخص توسعه انسانی تعدیل شده بر حسب درآمد

در بسیاری از کشورها و حتی مناطق تشکیل دهنده آنها (به ویژه در کشورهای در حال توسعه) توزیع درآمد به میزان قابل توجهی نابرابر و نامتعادل است، بنابراین تعدیل شاخص توسعه انسانی بر حسب توزیع درآمد، روشی است که می تواند تا حدودی توزیع نامطلوب درآمد را منعکس نماید. برای لحاظ نمودن عامل نابرابری درآمدی، سهم درآمد پایین ترین ۲۰ درصد جمعیت را به سهم بالاترین ۲۰ درصد جمعیت تقسیم کرده و نتیجه در شاخص توسعه انسانی ضرب می گردد. بدین ترتیب شاخص توسعه انسانی تعدیل شده بر حسب درآمد به دست می آید. از آنجایی که توزیع درآمد در هیچ کشور و یا منطقه ای کاملاً برابر نیست، تعدیل شاخص بر حسب توزیع درآمد، امتیاز همه کشورها را علی القاعده کاهش خواهد داد (منبع پیشین، صص ۵۰-۵۳).

۳- شاخصهای مکمل شاخص توسعه انسانی

وجود نقاط ضعف شاخص توسعه انسانی، سبب معرفی و ارائه شاخصهای تکمیلی گردیده است. این شاخصها، هر کدام جنبه های خاصی از توسعه انسانی را مشخص می نمایند. شاخصهای فقر انسانی^۳،

1) Human Freedom Index (HFI)

2) Political Freedom Index (PFI)

3) Human Poverty Index (HPI)

شاخص توسعه مرتبط با جنسیت^۱ و شاخص توانمند سازی جنسیتی^۲ از این دسته شاخصها به شمار می روند^۳

۳-۱ - شاخص فقر انسانی

شاخص توسعه انسانی، پیشرفت کلی یک کشور را در دست یابی به توسعه انسانی می سنجد ولی شاخص فقر انسانی نشان دهنده توزیع پیشرفت بوده و بقایای محرومیتی را که همچنان باقی مانده است، اندازه می گیرد. معیارهای شاخص فقر انسانی در سنجش محرومیت، همان ابعاد به کار رفته در شاخص توسعه انسانی هستند.

شاخص فقر انسانی عموماً به دو دسته فقر انسانی (۱) و فقر انسانی (۲) تقسیم بندی می گردد. شاخص فقر انسانی (۱) برای اندازه گیری فقر در کشورهای در حال توسعه کاربرد دارد و معمولاً از سه بعد یا مؤلفه زیر تشکیل می گردد^۴

۱- طول عمر: بر مبنای احتمال دست نیافتن به سن ۴۰ سالگی در بدو تولد

۲- دانش: بر مبنای نرخ بی سواد بزرگسالان

۳- سطح زندگی (استانداردهای شایسته و آبرومندانه زندگی): بر مبنای محرومیت در ارائه خدمات اقتصادی است و از طریق شاخصهای زیر اندازه گیری می گردد:

الف - درصد افرادی که به منبع آب تصفیه شده دسترسی پایدار ندارند.

ب - درصد کودکان زیر ۵ سالی که نسبت به سنشان، کم وزن هستند.

شاخص فقر انسانی-۱ از رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$HPI - 1 = \left[\frac{1}{3} (P_1^a + P_2^a + P_3^a) \right]^{\frac{1}{a}}$$

P_1 : احتمال نرسیدن به سن ۴۰ سالگی در بدو تولد (به صورت درصد)

1) Gender- related Development Index (GDI)

2) Gender Empowerment Measure (GEM)

۳) برای اطلاعات بیشتر درخصوص این شاخصها می توان به منابع زیر مراجعه کرد:

Human Development Report 2003 and Human Development Report 2005

4) Human development Report 2005, P. 340

P_2 : نرخ بی سوادی بزرگسالان

P_3 : محرومیت از استاندارد شایسته زندگی، P_3 معمولاً با استفاده از میانگین حسابی دو عامل زیر

محاسبه می گردد:

الف- درصد جمعیت کودکانی که نسبت به سنشان کم وزن هستند.

ب- درصد جمعیتی که به منابع آب سالم دسترسی ندارند.

a: مقیاسی جهت وزن دهی به ابعاد محرومیت. مقادیر بالای a سبب شود تا ابعادی که محرومیت‌های

بالاتری دارند، وزن بیشتری پیدا کنند. در شاخص فقر انسانی، ارزش ۳ به a داده می شود تا حیطه هایی که شدیدترین محرومیت ها را دارند، وزن بیشتری پیدا کنند و در عین حال کاملاً غالب نباشند.

شاخص فقر انسانی-۲ که برای اندازه گیری فقر انسانی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی

و توسعه (کشورهای پر درآمد) طرح گردیده است علاوه بر سه بعد محرومیت در فقر انسانی-۱، شامل

بعد محرومیت چهارمی به نام «طرد اجتماعی» نیز می باشد. ابعاد تشکیل دهنده شاخص فقر انسانی-۲

عبارتند از:

۱- طول عمر: بر مبنای احتمال نرسیدن به سن ۶۰ سالگی در بدو تولد

۲- دانش: بر مبنای نرخ بی سوادی عملی بزرگسالان. به عبارت دیگر درصد بزرگسالانی که

فاقد مهارت‌های عملکردی باسوادی هستند مد نظر است.

۳- سطح زندگی: بر مبنای درصد افرادی که زیر خط فقر درآمدی زندگی می کنند (بر اساس این

که درآمد قابل تصرف تعدیل شده خانوار، کمتر از ۵۰ درصد مقدار میانه باشد).

۴- طرد اجتماعی: بر مبنای نرخ بیکاری طولانی مدت (۱۲ ماه یا بیشتر)

شاخص فقر انسانی(۲) را می توان با استفاده از رابطه زیر محاسبه کرد:

$$HPI - 2 = \left[\frac{1}{4} (P_1^a + P_2^a + P_3^a + P_4^a) \right]^{\frac{1}{a}}$$

P_1 : احتمال دست نیابی به سن ۶۰ سالگی در بدو تولد (به صورت درصد)

P_2 : درصد بزرگسالان فاقد مهارت‌های عملی باسوادی

P_3 : درصد جمعیت زیر خط فقر (۵۰ درصد میانه درآمد تعدیل شده قابل تصرف خانوار)

P_4 : میزان بیکاری طولانی مدت بر حسب درصد

a: مقیاس جهت وزن دهی به ابعاد محرومیت ($a=3$ در نظر گرفته می شود)

۳-۲- شاخص توسعه مرتبط با جنسیت (GDI)^۱

این شاخص از همان ابعاد و معیارهای شاخص توسعه انسانی استفاده می کند با این تفاوت که به نابرابری میان زنان و مردان در این دستاوردها نیز توجه کند. در حقیقت این شاخص، تعدیل شده شاخص توسعه انسانی با توجه به نابرابریهای جنسیتی است. هرچه تفاوتهای جنسی در توسعه پایه انسانی بیشتر باشد، شاخص توسعه وابسته به جنس نسبت به شاخص توسعه انسانی، پایین تر خواهد بود. اجزای تشکیل دهنده شاخص توسعه وابسته به جنس به شرح زیر است:

۱- شاخص طول عمر که با سنجش امید به زندگی مردان و زنان در بدو تولد ارزیابی می گردد.

۲- شاخص دانش که با دو سنجه نرخ باسوادی در بزرگسالان زن و مرد و نسبت ترکیبی^۲، نام مردان و زنان در مدارس ابتدایی، متوسطه و عالی بررسی می شود.

۳- شاخص سطح زندگی که با سنجه درآمد تخمینی زنان و مردان که منعکس کننده تسلط آنان به منابع است، حاصل می گردد.

شاخص توسعه وابسته به جنس را می توان طی مراحل زیر محاسبه کرد:

مرحله اول: در این مرحله شاخصهای زنان و مردان در هر کدام از ابعاد سه گانه، با استفاده از رابطه زیر به دست می آید

$$\text{شاخص تعدیل شده} = \frac{\text{حداقل مقدار شاخص} - \text{مقدار واقعی شاخص}}{\text{حداقل مقدار شاخص} - \text{حداکثر مقدار شاخص}}$$

نکته قابل توجه آن که مقادیر حداقل و حداکثر جهت تعدیل شاخصها طبق جدول (۲) است.

مرحله دوم: در مرحله دوم، شاخصهای زنان و مردان در هر کدام از ابعاد مورد نظر با توجه به سهم آنان از کل جمعیت ترکیب می شوند. شاخصهای ترکیبی به دست آمده که شاخص توزیع برابر نیز خوانده می شوند از رابطه زیر به دست می آیند

1) Gender- related Development Index (GDI)

جدول (۳) مقادیر حداقل و حداکثر جهت محاسبه شاخص توسعه وابسته به جنس

مقدار حداکثر	مقدار حداقل	واحد	منحه
۸۷/۵	۲۷/۵	سال	امید به زندگی زنان در بدو تولد
۸۲/۵	۲۲/۵	سال	امید به زندگی مردان در بدو تولد
۱۰۰	۰	درصد	نرخ باسوادی بزرگسالان
۱۰۰	۰	درصد	نرخ حام ثبت نام در مدارس
۴۰۰۰۰	۱۰۰	دلار	برآورد درآمد کسب شده

Source: Human Development Report 2005, P. 341

$$+ \left(\text{مقدار شاخص زنان} \right)^{1-a} * \left[\text{سهم زنان از جمعیت} \right] = \text{شاخص توزیع برابر}$$

$$\left. \left(\text{مقدار شاخص مردان} \right)^{1-a} * \left[\text{سهم مردان از جمعیت} \right] \right]$$

a میزان گرایش به نابرابری و یا به بیان دیگر وزن در نظر گرفته شده برای نابرابری جنسیتی است. هر قدر این رقم بزرگتر باشد، نابرابری جنسیتی در آن جامعه شدید تر و تأثیر منفی آن بر شاخص توسعه انسانی بیشتر است.

مرحله سوم: پس از محاسبه شاخصهای توزیع برابر برای هر کدام از ابعاد سه گانه طول عمر، دانش و سطح زندگی در مرحله قبل، در این مرحله با میانگین گیری از ابعاد حاصل (سه شاخص توزیع برابر)، شاخص توسعه وابسته به جنس محاسبه می گردد. به عبارت دیگر

$$+ \left(\text{شاخص توزیع برابر دانش} \right) * \frac{1}{3} + \left(\text{شاخص توزیع برابر امید به زندگی} \right) * \frac{1}{3} = \text{شاخص توسعه}$$

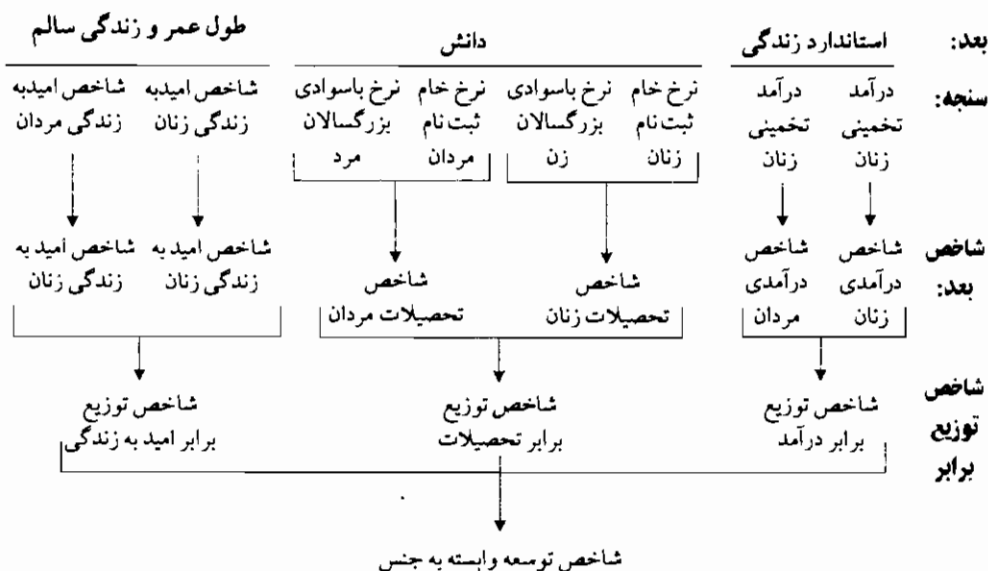
$$\text{وابسته به جنس} \left(\text{شاخص توزیع برابر درآمد} \right) * \frac{1}{3}$$

به طور خلاصه فرآیند محاسبه شاخص GDI را می توان به صورت الگوی (۱) نمایش داد.

۳-۳- شاخص توانمند سازی جنسیتی^۱ (GEM)

این شاخص نشان می دهد که آیا زنان در زندگی اقتصادی و سیاسی نقش دارند یا خیر؟ به عبارتی شاخص توانمند سازی جنسیتی، نابرابری جنسیتی را در زمینه های کلیدی مشارکت سیاسی، اقتصادی و

الگوی (۱)



Source: Human Development Report 2005, P. 340

تصمیم گیرها، اندازه گیری می کند. در این شاخص، تعداد کرسیهای زنان در مجلس، صاحب منصبان زن، مدیران ارشد و کارگران متخصص و فنی زن در نظر گرفته می شود. همچنین شاخص مذکور به نابرابری جنسیتی در درآمد کسب شده که نشان دهنده استقلال اقتصادی است، توجه دارد. شاخص توانمند سازی جنسیتی که بر مشارکت تأکید دارد، بر خلاف شاخص توسعه وابسته به جنس، نابرابری در حیطه های خاصی از فرصتها را مورد توجه قرار می دهد.

سنجه توانمند سازی جنسیتی با تأکید بر فرصتهای زنان به جای قابلیتهای آنان، مقوله نابرابری جنسیتی را در سه حیطه مختلف نشان می دهد^۱:

✓ مشارکت و توان تصمیم گیری سیاسی، که بر اساس درصد کرسیهای مجلس متعلق به زنان و مردان محاسبه می شود.

✓ مشارکت و توان تصمیم گیری اقتصادی، که بر اساس دو معیار زیر محاسبه می شود:

الف: درصد موقعیتهای قانون گذاری، مدیریتی و اداری عالی رتبه برای زنان و مردان نسبت به

یکدیگر

1) United Nations Development Programme (2005), P. 340.

ب: درصد موقعیتهای حرفه ای و فنی زنان و مردان نسبت به یکدیگر
 قدرت کنترل منابع اقتصادی، که بر اساس درآمد کسب شده تخمینی به وسیله زنان و مردان (بر
 حسب برابری قدرت خرید دلار) محاسبه می شود.

محاسبه شاخص توانمند سازی جنسیتی مشابه شاخص توسعه وابسته به جنس به این ترتیب حاصل
 می گردد که ابتدا برای هر کدام از ابعاد سه گانه فوق الذکر (مشارکت و توان تصمیم گیری سیاسی،
 مشارکت و توان تصمیم گیری اقتصادی و قدرت کنترل منابع اقتصادی) یک معادل درصدی توزیع برابر،
 با استفاده از فرمول زیر محاسبه می گردد:

$$+^{1-a} (\text{مقدار شاخص زنان}) * \text{سهم زنان از جمعیت} \\ = \text{معادل درصدی توزیع برابر} \\ -^{1-a} (\text{مقدار شاخص مردان}) * \text{سهم مردان از جمعیت}$$

a: میزان انحراف به سمت نابرابری. در شاخص توانمند سازی جنسیتی $a = 2$ در نظر گرفته می شود
 تا جریحه متوسطی را برای نابرابری برقرار کند.

پس از آن معادل درصدی توزیع برابر برای دو بعد مشارکت و توان تصمیم گیری سیاسی و اقتصادی
 تعدیل می گردد. بدین ترتیب که عدد به دست آمده از فرمول فوق برای هر بعد بر عدد ۵۰ درصد تقسیم
 می گردد. دلیل این کار این است که در حالت ایده آل برای هر متغیر، سهم زنان و مردان مساوی خواهد
 بود. به عبارت دیگر در یک جامعه ایده آل که توانمند سازی هر دو جنس برابر است، متغیرهای سنججه
 توانمند سازی جنسیتی برابر با ۵۰٪ خواهند بود.

باید توجه کرد که جهت محاسبه معادل درصدی توزیع برابر مشارکت اقتصادی، لازم است هر کدام
 از معیارهای آن به صورت جداگانه و با استفاده از روش فوق الذکر محاسبه شده و میانگین آنها به عنوان
 شاخص مورد نظر، لحاظ گردد.

در نهایت با میانگین گیری از سه شاخص معادل درصد توزیع برابر، می توان شاخص توانمند سازی
 جنسیتی را به دست آورد. به بیان دیگر:

$$+ (\text{معادل درصدی توزیع برابر برای مشارکت اقتصادی}) * \frac{1}{3} \\ = \text{شاخص توانمندسازی جنسیتی} \\ + (\text{معادل درصدی توزیع برابر برای مشارکت اقتصادی}) * \frac{1}{3} \\ + (\text{معادل درصدی توزیع برابر برای درآمد}) * \frac{1}{3}$$

قابل ذکر است که برای شاخص توانمند سازی جنسیتی، شاخص درآمدی از مقادیر اصلاح شده بر حسب لگاریتم محاسبه نمی گردد بلکه بر اساس مقادیر خام به دست آمده و اصلاح نشده، حاصل می گردد. در پایان این قسمت نحوه برآورد درآمد کسب شده توسط زنان و مردان توضیح داده می شود. سنجه درآمدی به کار رفته در شاخصهای توسعه وابسته به جنس و توانمند سازی جنسیتی، توانایی هر فرد را برای کسب درآمد نشان می دهد. در شاخص توسعه وابسته به جنس از سنجه درآمدی برای ارزیابی نابرابری میان مردان و زنان در زمینه تسلط بر منابع استفاده می گردد. در شاخص توانمند سازی جنسیتی نیز سنجه درآمدی جهت تعیین استقلال اقتصادی زنان کاربرد دارد.

اگر درآمد به عنوان نتیجه و ماحصل فعالیت افراد در نظر گرفته شود، آن گاه می توان درآمد زنان و مردان (بر حسب برابری قدرت خرید دلار) را بر حسب داده های زیر تخمین زد:

۱- نسبت دستمزدهای زنان در بخش غیر کشاورزی (W_f) به دستمزدهای مردان در بخش غیر کشاورزی (W_m)

عموماً فرض می شود نسبت مذکور به عنوان نماگر سایر بخشهای اقتصادی نیز می باشد. دلیل این انتخاب نیز بدین صورت است که اصولاً اطلاعات مربوط به میزان دستمزد در مناطق روستایی و بخش غیر رسمی یا وجود ندارد و یا به ندرت وجود دارد. قابل ذکر است در مواردی که داده های مربوط به نسبت دستمزدها موجود نباشد، از عدد ۷۵ درصد (۰/۷۵) استفاده می گردد.

۲- سهم زنان از جمعیت فعال اقتصادی به صورت درصد (EAF)

۳- سهم مردان از جمعیت فعال اقتصادی به صورت درصد (EAm)

۴- کل جمعیت زنان (Nf)

۵- کل جمعیت مردان (Nm)

۶- کل تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید دلار (Y)

برای تخمین درآمد کسب شده توسط زنان و مردان، ابتدا سهم زنان از فهرست حقوق^۱ طبق رابطه زیر محاسبه می گردد:^۲

$$S_f = \frac{\left(\frac{W_f}{W_m}\right)(EAF)}{\left[\left(\frac{W_f}{W_m}\right)(EAF)\right] + EAm}$$

(سهم زنان از فهرستهای حقوق)

پس از آن درآمد کسب شده توسط زنان و مردان از روابط زیر تخمین زده می شود:

$$\text{برآورد درآمد کسب شده توسط زنان (برابری قدرت خرید دلار)} = \frac{S_f \cdot Y}{N_f}$$

$$\text{برآورد درآمد کسب شده توسط مردان (برابری قدرت خرید دلار)} = \frac{Y - (S_f \cdot Y)}{N_m}$$

نکته قابل توجه آن که معمولاً باید فرض نمود سهم زنان از فهرستهای حقوق با سهم آنان از تولید ناخالص داخلی برابر است.

۴- محاسبه شاخصهای توسعه انسانی برای استانهای کشور

۴-۱- روش متداول و مشکلات آن

۴-۱-۱- شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی استانهای کشور، با توجه به اطلاعات سال ۱۳۸۰ و سنجه های زیر محاسبه شده است:

۱- امید به زندگی در بدو تولد

۲- نرخ باسوادی بزرگسالان (نرخ باسوادی جمعیت ۱۵ سال به بالا)

۳- نرخ پوشش تحصیلی واقعی

شاخص نرخ پوشش تحصیلی واقعی که عبارت است از درصد جمعیت دانش آموزی یک مقطع خاص (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه) در گروه سنی متناظر با آن مقطع از کل جمعیت گروه سنی متناظر با آن مقطع، به عنوان جایگزینی برای نرخ ثبت نام در مدارس لحاظ شده است. قابل ذکر است که به دلیل در دسترس نبودن آمار، سنجه نرخ ثبت نام دانشجویان منظور نگردیده است. دلیل انتخاب نرخ پوشش تحصیلی واقعی به جای نرخ خام ثبت نام در مدارس این است که اولاً بهترین آماری است که با فرم یکسان برای تمام استانها وجود دارد و ثانیاً بر اساس استانداردهای موجود، مقادیر نرخ ثبت نام بین صفر تا صد تغییر می کند، حال آن که با انتخاب گزینه ای دیگر مثل نرخ پوشش تحصیلی ظاهری، مقادیر ممکن است از صد تجاوز نماید.

۴- سرانه تولید ناخالص داخلی (درآمد سرانه)

برای محاسبه مقدار عددی شاخص توسعه انسانی، ابتدا با استفاده از رابطه زیر هر کدام از سنجه های چهارگانه فوق به مقادیری بین صفر و یک تعدیل می شوند.^۱

$$I_{ij} = \frac{X_{ij} - \min(X_j)}{\max(X_j) - \min(X_j)}$$

I_{ij} : شاخص تعدیل شده زام (به مقادیر بین صفر و یک) برای منطقه i ام

X_{ij} : مقدار واقعی سنجه زام برای منطقه i ام

$\min(X_j)$: حداقل مقدار سنجه زام (بر حسب اطلاعات جدول شماره ۱)

$\max(X_j)$: حداکثر مقدار سنجه زام (بر حسب اطلاعات جدول شماره ۱)

قابل ذکر است که برای تعدیل سنجه سرانه تولید ناخالص داخلی، از لگاریتم مقادیر استفاده می شود.

همچنین محاسبه سنجه نرخ پوشش تحصیلی به ترتیب زیر است:

الف- محاسبه شاخصهای موزون نرخ پوشش تحصیلی به تفکیک جنس:

بدین منظور برای دختران و پسران به صورت جداگانه، سهم دانش آموزان در هر مقطع تحصیلی از کل دانش آموزان، در نرخ پوشش تحصیلی واقعی آن مقطع ضرب گردیده و مجموع آنها (مجموع نتیجه به دست آمده در سه مقطع) به عنوان شاخص نرخ پوشش تحصیلی برای جنس مورد نظر لحاظ می گردد.

ب- محاسبه شاخصهای تعدیل شده نرخ پوشش تحصیلی به تفکیک جنس به مقادیر بین صفر و یک

پ- محاسبه شاخص توزیع برابر نرخ پوشش تحصیلی واقعی:

$$\frac{1-a}{1-a} \left[\text{نرخ پوشش تحصیلی دختران} \right]^a * \text{سهم دانش آموزان دختر از کل دانش آموزان} + \frac{1-a}{1-a} \left[\text{نرخ پوشش تحصیلی پسران} \right]^a * \text{سهم دانش آموزان پسر از کل دانش آموزان} = \text{شاخص توزیع برابر نرخ پوشش تحصیلی}$$

پس از محاسبه شاخصهای بعد (تعدیل شده به مقادیر بین صفر و یک) با استفاده از رابطه زیر مقدار

شاخص توسعه انسانی به تفکیک استانها حاصل می گردد:

$$\begin{aligned} &+ (\text{شاخص تعدیل شده امید به زندگی استان}) * \frac{1}{3} \\ &+ (\text{شاخص تعدیل شده تحصیلات استان}) * \frac{1}{3} = \text{شاخص توسعه انسانی برای هر استان} \\ &+ (\text{شاخص تعدیل شده درآمد سرانه استان}) * \frac{1}{3} \end{aligned}$$

همانطور که قبلاً نیز بیان شد، شاخص تحصیلات بر اساس میانگین موزون نرخ باسوادی و نرخ ثبت نام در مدارس (نرخ پوشش تحصیلی واقعی) حاصل می‌گردد. به عبارتی دیگر:

$$\text{شاخص تعدیل شده تحصیلات} = \left(\frac{2}{3}\right) * (\text{شاخص تعدیل نرخ باسوادی بزرگسالان}) + \left(\frac{1}{3}\right) * (\text{شاخص توزیع برابر نرخ پوشش تحصیلی})$$

نتایج حاصل از رتبه بندی استانهای کشور بر اساس شاخص ترکیبی توسعه انسانی متداول به صورت جدول شماره ۳ است. همان طور که از اطلاعات جدول پیداست، استانهای تهران، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، اصفهان و یزد به ترتیب در رده های اول تا پنجم کشور از حیث شاخص توسعه انسانی قرار گرفته اند. نمرات اکتسابی استانها که بر اساس معیارهای بین المللی محاسبه شده است، نشان می‌دهد که هیچ کدام از استانهای کشور دارای سطح توسعه انسانی بالا نیستند. بالاترین امتیاز به دست آمده مربوط به استان تهران با نمره ۰/۷۱۲ و پایتترین امتیاز مربوط به استان سیستان و بلوچستان با نمره ۰/۴۹۵ می‌باشد.

بررسی نتایج حاصل از ابعاد سه گانه شاخص توسعه انسانی بیانگر آن است که در سنجه امید به زندگی استانهای تهران، گیلان، اصفهان، یزد، قزوین، سمنان، قم، فارس، خوزستان و مازندران به ترتیب به عنوان استانهای پیشرو در این زمینه مطرح شد. در سنجه دانش (سطح تحصیلات) برترین استانهای کشور به ترتیب استانهای تهران، سمنان، اصفهان، یزد، فارس، قم، مازندران، کرمان، گیلان و خوزستان بوده و استانهای کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، تهران، مرکزی، هرمزگان، بوشهر، قزوین، یزد، اصفهان و ایلام برترین استانها از نظر درآمد سرانه به شمار می‌روند.

آنچه که حایز اهمیت است این که اختلاف امتیاز قابل توجه بین استانها در سنجه درآمد سرانه نسبت به دو سنجه دیگر یعنی سطح دانش و امید به زندگی سبب گردیده است تا استانهای کهگیلویه و بویر احمد و خوزستان جزو استانهای برتر از نظر شاخص توسعه انسانی قرار گیرند.

۴-۱-۲- شاخصهای تکمیلی توسعه انسانی

شاخصهای تکمیلی توسعه انسانی عمدتاً به منظور تکمیل اطلاعات و پوشاندن نقاط ضعف شاخص توسعه انسانی مطرح گردیده اند. ماهیت ابعاد به کار رفته در شاخصهای تکمیلی (فقر انسانی (۱) و (۲)،

جدول (۳) رتبه بندی استانهای کشور بر اساس شاخص توسعه انسانی پایه (بر اساس اطلاعات سال ۱۳۸۰)

رتبه	سطح زندگی				سطح دانش			طول عمر		
	شاخص توسعه اساسی	شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی	سرانه درآمد (دلار)	جمعیت (هر)	شاخص نهایی سطح تحصیلات	شاخص پوشش تحصیلی	شاخص باسوادی	شاخص امید به زندگی		
۱۷	۰.۶۱۰	۰.۲۹۴	۱۰۵۷,۶۴۲	۳۳۶۹۰۰۰	۳۰۲۸۷.۲	۰.۷۵۲	۰.۷۲۷	۰.۷۵۵	۰.۷۱۰	آذربایجان شرقی
۲۴	۰.۵۷۰	۰.۲۲۵	۷۰۱,۷۸۲	۲۷۲۲۰۰۰	۱۶۲۴۲.۱	۰.۷۰۰	۰.۷۱۳	۰.۶۹۳	۰.۶۹۰	آذربایجان غربی
۲۵	۰.۵۸۴	۰.۲۴۲	۷۷۴,۸۷۸	۱۱۹۷۰۰۰	۷۸۸۴	۰.۷۰۹	۰.۷۲۰	۰.۶۹۹	۰.۷۰۳	اردبیل
۴	۰.۶۷۰	۰.۲۲۲	۱۲۶۰,۲۵۸	۴۲۳۹۰۰۰	۴۵۴۰.۹	۰.۸۴۱	۰.۸۲۸	۰.۸۲۸	۰.۷۲۷	اصفهان
۱۶	۰.۶۲۶	۰.۲۲۰	۱۲۳۶,۹۵۲	۵۳۹۰۰۰	۵۶۶۷.۱	۰.۷۸۲	۰.۸۱۸	۰.۷۶۵	۰.۶۷۷	ایلام
۹	۰.۶۴۷	۰.۴۴۲	۱۴۱۸,۵۱۲	۷۸۸۰۰۰	۹۵۰۱.۲	۰.۷۹۰	۰.۷۸۴	۰.۷۹۳	۰.۷۰۸	بوشهر
۱	۰.۷۱۳	۰.۴۹۹	۱۹۸۶,۷۱۹	۱۱۴۵۱۰۰۰	۱۹۲۳۷۴.۳	۰.۸۸۶	۰.۸۵۶	۰.۹۰۰	۰.۷۵۰	تهران
۲۰	۰.۶۰۷	۰.۳۳۵	۷۴۵,۲۲۸	۷۸۷۰۰۰	۴۹۸۵.۲	۰.۷۸۱	۰.۸۲۶	۰.۷۵۸	۰.۷۰۵	چهارمحال و بختیاری
۱۸	۰.۶۱۴	۰.۳۶۹	۹۱۳,۵۷۱	۶۰۸۵۰۰۰	۲۷۲۵۲.۳	۰.۷۹۰	۰.۷۸۹	۰.۷۹۰	۰.۶۸۲	خراسان
۲	۰.۶۸۵	۰.۵۴۴	۲۵۹۹,۵۷۷	۴۳۶۵۰۰۰	۹۶۴۵۰.۸	۰.۷۹۶	۰.۷۶۵	۰.۸۱۱	۰.۷۱۷	خوزستان
۲۲	۰.۵۹۴	۰.۲۴۷	۷۸۷,۹۷۸	۹۳۱۰۰۰	۶۲۱۴.۸	۰.۷۳۹	۰.۷۵۲	۰.۷۳۲	۰.۶۹۵	رزنجان
۶	۰.۶۶۷	۰.۴۲۰	۱۲۳۶,۱۲۵	۵۵۲۰۰۰	۵۷۹۹.۹	۰.۸۵۲	۰.۸۶۹	۰.۸۴۴	۰.۷۲۸	سمنان
۲۸	۰.۴۹۵	۰.۲۷۲	۵۰۹,۵۱۴	۲۰۱۸۰۰۰	۸۷۳۹.۷	۰.۵۷۵	۰.۶۰۷	۰.۵۶۰	۰.۶۲۸	سیستان و بلوچستان
۱۳	۰.۶۲۹	۰.۲۷۲	۹۲۹,۰۴۶	۴۰۷۹۰۰۰	۳۲۲۳۹.۹	۰.۸۱۹	۰.۸۱۷	۰.۸۲۰	۰.۷۲۵	فارس
۸	۰.۶۵۵	۰.۴۲۹	۱۲۸۶,۵۲۷	۱۰۴۷۰۰۰	۱۲۳۳۹.۴	۰.۷۹۴	۰.۷۶۹	۰.۸۰۷	۰.۷۲۲	قزوین
۱۲	۰.۶۴۰	۰.۳۸۶	۱۰۰۷,۶۰۲	۹۵۰۰۰۰	۸۱۳۶.۴	۰.۸۰۶	۰.۸۱۶	۰.۸۰۱	۰.۷۲۷	قم
۲۷	۰.۵۴۲	۰.۲۹۲	۵۷۸,۴۴۶	۱۴۶۵۰۰۰	۷۲۰۲.۱	۰.۶۹۰	۰.۷۲۲	۰.۶۶۸	۰.۶۴۷	کردستان
۱۵	۰.۶۳۲	۰.۴۰۰	۱۰۹۸,۵۴۴	۳۱۷۴۰۰۰	۳۰۳۰۰	۰.۸۰۲	۰.۸۲۰	۰.۷۸۷	۰.۶۹۷	کرمان
۲۴	۰.۵۹۰	۰.۳۱۲	۶۵۳,۵۳۲	۱۹۲۰۰۰۰	۱۰۷۲۱.۲	۰.۷۶۶	۰.۷۹۰	۰.۷۵۴	۰.۶۹۰	کرمانشاه
۳	۰.۷۰۳	۰.۶۸۱	۵۹۲۶,۹۸۲	۶۱۰۰۰۰	۳۰۳۳۱.۴	۰.۷۶۰	۰.۷۸۵	۰.۷۴۸	۰.۶۶۸	کهگلویه و بویر احمد
۱۹	۰.۶۱۲	۰.۲۴۸	۸۰۳,۶۴۰	۱۵۲۳۰۰۰	۱۰۴۶۵	۰.۷۸۹	۰.۸۲۲	۰.۷۷۲	۰.۶۹۸	گلستان
۱۱	۰.۶۴۱	۰.۲۷۶	۹۵۰,۴۰۰	۳۲۹۶۰۰۰	۱۸۵۴۸	۰.۷۹۸	۰.۸۳۱	۰.۷۸۶	۰.۷۵۰	گیلان
۲۲	۰.۶۰۰	۰.۲۳۵	۷۲۲,۰۵۸	۱۶۵۷۰۰۰	۱۰۴۶۵.۶	۰.۷۷۹	۰.۸۰۱	۰.۷۶۸	۰.۶۸۷	لرستان
۱۰	۰.۶۴۵	۰.۴۱۴	۱۱۹۳,۱۰۹	۲۷۱۸۰۰۰	۲۷۵۴۱.۳	۰.۸۰۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۵	۰.۷۱۵	مازندران
۷	۰.۶۶۲	۰.۴۷۸	۱۷۵۴,۷۹۸	۱۳۸۶۰۰۰	۱۹۱۸۱.۷	۰.۷۹۴	۰.۸۱۷	۰.۷۸۲	۰.۷۱۳	مرکزی
۱۴	۰.۶۲۶	۰.۴۴۴	۱۴۲۹,۵۰۰	۱۳۰۴۰۰۰	۱۴۶۲۹.۵	۰.۷۵۸	۰.۷۷۴	۰.۷۵۰	۰.۷۰۵	هرمزگان
۲۱	۰.۶۰۳	۰.۳۴۶	۷۹۴,۱۷۲	۱۷۱۰۰۰۰	۱۱۵۴۲.۳	۰.۷۶۲	۰.۷۶۰	۰.۷۶۲	۰.۶۹۸	همدان
۵	۰.۶۷۰	۰.۴۳۵	۱۳۵۷,۹۳۸	۸۳۴۰۰۰	۹۵۱۱	۰.۸۳۴	۰.۸۴۰	۰.۸۳۲	۰.۷۴۰	یزد

ماخذ: نتایج تحقیق

تذکر: برای محاسبه درآمد سرانه بر حسب دلار، سرانه تولید ناخالص داخلی (بر حسب ریال) به رقم ۸۵۰۰ ریال تقسیم شده است.

توسعه وابسته به جنس و توانمند سازی جنسیتی) به نحوی است که محاسبه آن در سطح استانها (به دلیل کمبود و یا فقدان آمار و اطلاعات) با مشکلاتی مواجه است. شاید بتوان گفت در شرایط فعلی تنها امکان محاسبه شاخص تکمیلی توسعه وابسته به جنس در سطح استانهای کشور وجود دارد که امید می رود در آینده با ایجاد زمینه های آماری و اطلاعاتی مناسب، امکان محاسبه سایر شاخصهای تکمیلی نیز فراهم

در محاسبه شاخص توسعه وابسته به جنس از ابعاد زیر استفاده شده است:

۱- شاخص توزیع برابر امید به زندگی

برای محاسبه سنجه توزیع برابر امید به زندگی، ابتدا شاخص امید به زندگی برای مردان و زنان به صورت جداگانه به مقادیری بین صفر و یک تعدیل شده، سپس با استفاده از رابطه شاخص توزیع برابر یعنی

$$\left[\frac{1}{1-a} \text{ مقدار شاخص مردان} \right] * \text{سهم مردان از جمعیت} + \left[\frac{1}{1-a} \text{ مقدار شاخص زنان} \right] * \text{سهم زنان از جمعیت}$$

که در آن $a = 2$ در نظر گرفته می شود، مقدار عددی سنجه توزیع برابر امید به زندگی به دست آمده است.

۲- شاخص توزیع برابر آموزش^۱

جهت محاسبه شاخص مذکور، در مرحله اول سنجه های نرخ باسوادی بزرگسالان و نرخ پوشش تحصیلی واقعی (به عنوان جایگزین نرخ ثبت نام) به تفکیک زنان و مردان به مقادیر بین صفر و یک تبدیل می گردد. سپس شاخص موزون دانش برای هر جنس محاسبه گردیده و در نهایت با استفاده از رابطه مربوطه، شاخص توزیع برابر دانش حاصل می شود.

۳- شاخص توزیع برابر درآمد^۲

برای محاسبه شاخص توزیع برابر درآمد، درآمدهای کسب شده توسط زنان و مردان بر اساس برابری قدرت خرید (PPP)، و بر اساس رابطه زیر مورد برآورد قرار می گیرد.^۳

$$\text{شاخص درآمد} = \frac{\log(\text{مقدار حداقل}) - \log(\text{مقدار واقعی})}{\log(\text{مقدار حداکثر}) - \log(\text{مقدار حداقل})}$$

شاخص تعدیلی درآمد به دست می آید. پس از آن، شاخصهای درآمد مردان و زنان با هم ترکیب شده و شاخص توزیع برابر درآمد حاصل می گردد.

پس از محاسبه شاخصهای توزیع برابر فوق، کافی است از آنها میانگین گرفته تا شاخص توسعه وابسته به جنس برای هر استان محاسبه گردد.

1) Equally Distributed Education Index

2) Equally Distributed Income Index

3) Ibid., P. 343

بررسی نتایج حاصل از محاسبه شاخص توسعه وابسته به جنس و رتبه بندی استانها بر اساس آنها (جدول شماره ۴) نشان می دهد که استانهای تهران، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، یزد، اصفهان و گیلان در رده بهترین استانهای کشور قرار دارند. این بدان مفهوم است که این استانها در زمینه توسعه انسانی، کمترین نابرابری را میان زنان و مردان داشته اند. چراکه شاخص مذکور تعدیل شده شاخص توسعه انسانی با توجه به نابرابریهای جنسیتی است. البته باید توجه کرد که هرچه تفاوت میان زنان و مردان بیشتر باشد، مقدار شاخص توسعه وابسته به جنس از شاخص توسعه انسانی کمتر خواهد بود.

اطلاعات جدول شماره ۴ همچنین نشان می دهد که در سنجه توزیع برابر امید به زندگی استانهای تهران، گیلان، اصفهان، یزد، قزوین و سمنان از وضعیت بهتری در سطح کشور برخوردارند. در سنجه توزیع برابر دانش، استانهای تهران، اصفهان، سمنان، یزد، فارس و قم در رده بهترین استانهای کشور قرار دارند و در سنجه توزیع برابر درآمد که از طریق برآورد درآمد کسب شده زنان و مردان حاصل شده، استانهای کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، تهران، گیلان و ایلام از جمله استانهای پیشرو در سطح کشور به حساب می آیند.

قابل ذکر است که در برآورد درآمد کسب شده توسط زنان و مردان از مقادیر تولید ناخالص داخلی، عدد $0/75$ به جای نسبت دستمزدهای زنان به مردان (به دلیل فقدان اطلاعات)، جمعیت زنان و مردان و نیز سهم درصدی آنان از جمعیت فعال استفاده شده است. برای محاسبه سهم درصدی زنان و مردان از جمعیت فعال از نتایج آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار که توسط مرکز آمار ایران تهیه می گردد، استفاده شده است. بدین منظور با استفاده از تعریف نرخ فعالیت (در سه سطح کل، مردان و زنان) و این که مجموع نسبت فعالان مرد به کل فعالان و نسبت فعالان زن به کل فعالان برابر واحد است، معادلاتی تشکیل و پس از حل آنها سهم درصدی زنان و مردان از جمعیت فعال حاصل گردیده است.

بررسی نتایج حاصل از محاسبه شاخصهای توسعه انسانی و توسعه وابسته به جنس متداول، حاکی از آن است که شاخصهای درآمد سرانه و توزیع برابر درآمد (حاصل از درآمد تخمینی مردان و زنان) بر مبنای اطلاعات تولید ناخالص داخلی، نمی تواند نشان دهنده تمام واقعیات موجود درباره درآمد افراد در مناطق مختلف باشد. به عنوان مثال تولید ناخالص داخلی برخی از استانهای کشور نظیر کهگیلویه و بویر احمد ممکن است به دلیل وجود ذخایر عمده نفت و گاز در حد بالایی قرار داشته باشد، این در حالی است که امکان دارد در همین استان درآمد اکتسابی افراد در وضعیت مناسبی نباشد. از این رو نتایج حاصل می تواند

جدول (۴) رتبه بندی استانهای کشور براساس شاخص توسعه وابسته به جنس (براساس اطلاعات سال ۱۳۸۰)

رتبه	شاخص توسعه وابسته به جنس	سطح زندگی			سطح آموزش			طول عمر			استان
		شاخص درآمد			شاخص تحصیلات			شاخص امید به زندگی			
		شاخص توزیع برابر درآمد	شاخص درآمد مردان	شاخص درآمد زنان	شاخص توزیع برابر تحصیلات	شاخص زنان	شاخص مردان	شاخص توزیع برابر امید به زندگی	شاخص زنان	شاخص مردان	
۱۱	۰.۵۸۱	۰.۲۷۹	۰.۴۷۹	۰.۱۹۵	۰.۷۵۵	۰.۷۰۶	۰.۸۱۱	۰.۷۱۰	۰.۶۸۷	۰.۷۳۳	آذربایجان شرقی
۲۴	۰.۵۱۹	۰.۱۶۲	۰.۴۰۸	۰.۱۰۰	۰.۷۰۵	۰.۶۳۰	۰.۷۹۷	۰.۶۹۰	۰.۶۵۸	۰.۷۳۳	آذربایجان غربی
۲۳	۰.۵۲۹	۰.۱۶۸	۰.۴۳۲	۰.۱۰۳	۰.۷۱۸	۰.۶۵۲	۰.۷۹۶	۰.۷۰۱	۰.۶۷۳	۰.۷۳۰	اردبیل
۵	۰.۶۱۶	۰.۲۵۰	۰.۵۱۰	۰.۱۶۳	۰.۸۵۲	۰.۸۳۰	۰.۸۷۵	۰.۷۴۷	۰.۷۱۷	۰.۷۷۸	اصفهان
۹	۰.۵۸۲	۰.۲۸۰	۰.۵۰۲	۰.۱۹۱	۰.۷۸۹	۰.۷۵۰	۰.۸۲۲	۰.۶۷۷	۰.۶۴۷	۰.۷۰۸	ایلام
۱۹	۰.۵۵۱	۰.۱۳۴	۰.۵۴۳	۰.۰۷۶	۰.۸۱۰	۰.۷۷۷	۰.۸۴۵	۰.۷۰۸	۰.۶۸۳	۰.۷۳۳	بوشهر
۱	۰.۶۵۳	۰.۳۳۴	۰.۵۸۷	۰.۲۱۹	۰.۸۸۵	۰.۸۷۲	۰.۸۹۷	۰.۷۵۰	۰.۷۱۸	۰.۷۸۳	تهران
۲۰	۰.۵۵۱	۰.۱۷۰	۰.۴۲۳	۰.۱۰۶	۰.۷۷۷	۰.۷۲۰	۰.۸۴۲	۰.۷۰۵	۰.۶۷۸	۰.۷۳۳	چهارمحال و بختیاری
۸	۰.۵۸۵	۰.۲۷۶	۰.۴۵۴	۰.۱۹۸	۰.۷۹۹	۰.۷۶۰	۰.۸۴۱	۰.۶۸۱	۰.۶۴۸	۰.۷۱۷	خراسان
۳	۰.۶۲۰	۰.۳۵۳	۰.۶۳۱	۰.۲۴۲	۰.۷۹۱	۰.۷۴۶	۰.۸۳۹	۰.۷۱۶	۰.۶۹۰	۰.۷۴۳	خوزستان
۱۷	۰.۵۵۹	۰.۲۳۷	۰.۴۲۹	۰.۱۶۳	۰.۷۴۶	۰.۶۹۴	۰.۸۰۵	۰.۶۹۵	۰.۶۶۸	۰.۷۳۳	زنجان
۱۲	۰.۵۷۹	۰.۱۵۷	۰.۵۱۱	۰.۰۹۰	۰.۸۵۲	۰.۸۲۹	۰.۸۷۵	۰.۷۲۸	۰.۷۰۰	۰.۷۵۷	سمنان
۲۸	۰.۳۷۵	۰.۰۹۳	۰.۳۶۰	۰.۰۴۱	۰.۵۷۷	۰.۵۰۶	۰.۶۶۸	۰.۶۴۲	۰.۶۰۸	۰.۶۷۸	سیستان و بلوچستان
۱۵	۰.۵۶۱	۰.۱۲۹	۰.۴۶۶	۰.۰۷۴	۰.۸۲۸	۰.۷۹۷	۰.۸۶۰	۰.۷۲۶	۰.۷۰۳	۰.۷۴۸	فارس
۱۶	۰.۵۶۱	۰.۱۵۵	۰.۵۳۵	۰.۰۹۰	۰.۷۹۶	۰.۷۵۴	۰.۸۴۲	۰.۷۳۱	۰.۷۰۳	۰.۷۶۰	فروین
۱۸	۰.۵۵۶	۰.۱۲۵	۰.۴۷۷	۰.۰۷۱	۰.۸۱۵	۰.۷۸۰	۰.۸۵۲	۰.۷۲۷	۰.۷۰۲	۰.۷۵۳	قم
۲۷	۰.۳۹۹	۰.۱۳۶	۰.۳۸۹	۰.۰۵۷	۰.۶۸۶	۰.۶۰۸	۰.۷۸۴	۰.۶۴۷	۰.۶۲۰	۰.۶۷۵	کردستان
۱۰	۰.۵۸۱	۰.۲۴۱	۰.۴۸۶	۰.۱۵۸	۰.۸۰۷	۰.۷۸۴	۰.۸۳۱	۰.۶۹۶	۰.۶۷۰	۰.۷۲۳	کرمان
۲۶	۰.۴۹۸	۰.۰۲۱	۰.۴۰۵	۰.۰۱۰	۰.۷۸۳	۰.۷۳۴	۰.۸۳۶	۰.۶۸۹	۰.۶۵۷	۰.۷۲۳	کرمانشاه
۲	۰.۶۴۴	۰.۴۹۹	۰.۷۷۲	۰.۳۶۶	۰.۷۶۷	۰.۷۱۰	۰.۸۳۱	۰.۶۶۶	۰.۶۲۸	۰.۷۰۷	کهگیلویه و بویر احمد
۱۳	۰.۵۷۷	۰.۲۴۴	۰.۴۳۶	۰.۱۷۲	۰.۷۹۰	۰.۷۴۶	۰.۸۴۰	۰.۶۹۷	۰.۶۷۲	۰.۷۲۵	گلستان
۶	۰.۶۱۴	۰.۲۸۷	۰.۴۵۵	۰.۲۱۰	۰.۸۰۷	۰.۷۷۴	۰.۸۴۴	۰.۷۴۹	۰.۷۱۸	۰.۷۸۲	گیلان
۲۵	۰.۵۰۳	۰.۰۵۲	۰.۳۳۱	۰.۰۲۷	۰.۷۷۲	۰.۷۲۲	۰.۸۲۸	۰.۶۸۶	۰.۶۵۲	۰.۷۲۲	لرستان
۷	۰.۵۹۴	۰.۲۶۴	۰.۵۰۵	۰.۱۸۰	۰.۸۰۳	۰.۷۷۲	۰.۸۳۷	۰.۷۱۵	۰.۶۹۲	۰.۷۴۰	مازندران
۱۴	۰.۵۷۲	۰.۲۰۰	۰.۵۷۹	۰.۱۲۰	۰.۸۰۲	۰.۷۶۰	۰.۸۴۸	۰.۷۱۴	۰.۶۸۸	۰.۷۴۲	مرکزی
۲۱	۰.۵۴۸	۰.۱۷۵	۰.۵۳۵	۰.۱۰۲	۰.۷۶۳	۰.۷۱۷	۰.۸۱۲	۰.۷۰۵	۰.۶۷۸	۰.۷۳۲	هرمزگان
۲۲	۰.۵۳۶	۰.۱۴۰	۰.۴۴۰	۰.۰۸۲	۰.۷۶۸	۰.۷۲۵	۰.۸۱۶	۰.۶۹۸	۰.۶۷۰	۰.۷۲۸	همدان
۴	۰.۶۱۸	۰.۲۷۹	۰.۵۰۸	۰.۱۸۹	۰.۸۳۵	۰.۸۱۱	۰.۸۵۹	۰.۷۴۰	۰.۷۱۲	۰.۷۶۸	یزد

ماخذ: تابع تحقیق

با واقعیات توسعه یافتگی استانها تفاوتهایی قابل ملاحظه داشته باشد.

بر این اساس در قسمت بعدی مقاله سعی گردیده جهت محاسبه شاخصهای درآمد سرانه و درآمد اکتسابی مردان و زنان، از اطلاعات مربوط به متوسط هزینه خانوارهای هر استان استفاده شود. زیرا به

نظر می‌رسد این شاخص به مراتب بهتر بتواند نمایانگر وضعیت رفاهی و قدرت اقتصادی افراد باشد. دلیل استفاده از اطلاعات هزینه خانوار به جای درآمد آنها نیز آن است که نظام هزینه به دلایل گوناگون از جمله پراکنده و نامشخص بودن منابع درآمدی خانوارها و خودداری خانوارها و افراد از بیان ارقام درآمدی خود، از نظام درآمد قابل اعتمادتر و دقیقتر است^۱.

۲-۲- روش پیشنهادی (استفاده از هزینه خانوار به جای تولید ناخالص داخلی در محاسبه درآمد سرانه)

به منظور محاسبه درآمد سرانه با استفاده از هزینه خانوارها، ابتدا هزینه سالیانه خانوارهای شهری و روستایی در سهم جمعیتی آنها از کل جمعیت ضرب شده و مجموع آن به عنوان هزینه سالیانه خانوار استان لحاظ گردیده است. پس از آن هزینه به دست آمده بر عدد بعد خانوار تقسیم شده و نتیجه به عنوان شاخص درآمد سرانه لحاظ شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده از رتبه بندی استانهای کشور با به کارگیری اطلاعات هزینه خانوار در شاخص توسعه انسانی (روش پیشنهادی)، استانهای تهران، اصفهان، گیلان، یزد و سمنان برترین استانها به شمار می‌روند (اطلاعات جدول شماره ۵). در این راستا استانهای خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد که در رده بندی قبلی (بر اساس شاخص توسعه انسانی پایه) به ترتیب در رده های دوم و سوم قرار گرفته بودند، در این حالت به ترتیب در رده های سیزدهم و بیست و پنجم کشور جای می‌گیرند. خلاصه آن که به نظر می‌رسد نتایج حاصل از این روش (روش پیشنهادی) با ذهنیات موجود درباره توسعه یافتگی استانها بیشتر منطبق باشد.

قابل ذکر است که در سنجش درآمد سرانه بر اساس هزینه خانوارها، استانهای تهران، گیلان، قم، قزوین، مرکزی و مازندران استانهای پیشرو در سطح کشور به حساب می‌آیند.

جهت به کارگیری هزینه خانوارها در ساختار شاخص توزیع برابر درآمد (به منظور محاسبه شاخص توسعه وابسته به جنس) نیز کافی است سرانه هزینه هر استان (هزینه سالیانه خانوار تقسیم بر بعد خانوار) در جمعیت آن استان ضرب شده و نتیجه به عنوان تقریبی از درآمد کل آن استان تلقی گردد. مابقی محاسبات مربوط به شاخص توسعه وابسته به جنس به همان روال قبلی است. نتایج مقایسه ای درآمد تخمینی زنان و مردان با استفاده از تولید ناخالص داخلی استانها و هزینه خانوارها و نیز رتبه بندی حاصل از شاخص

۱) قابل ذکر است که اطلاعات مربوط به هزینه خانوارها از طرح های سالیانه مرکز آمار ایران تحت عنوان «آمارگیری از درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی» قابل استحصال می باشد.

جدول (۵) رتبه بندی استانهای کشور براساس شاخص توسعه انسانی (روش پیشنهادی)
(بر اساس اطلاعات سال ۱۳۸۰)

ردیف	نام استان	سطح دانش				سطح درآمد			شاخص ترکیبی توسعه انسانی
		شاخص نهایی سطح تحصیلات	شاخص پوشش تحصیلی	شاخص ماسوادی	شاخص درآمد سرانه	شاخص درآمد سرانه	شاخص ترکیبی توسعه انسانی		
۱	آذربایجان شرقی	۰.۷۵۲	۰.۷۴۷	۰.۷۵۵	۰.۷۱۰	۰.۲۹۱	۵۸۷.۷	۴.۲	۰.۵۸۶
۲	آذربایجان غربی	۰.۷۰۰	۰.۷۱۳	۰.۶۹۳	۰.۶۹۰	۰.۲۵۹	۵۲۷.۱	۴.۵	۰.۵۵۶
۳	اردبیل	۰.۷۰۹	۰.۷۲۰	۰.۶۹۹	۰.۷۰۲	۰.۲۸۱	۶۷۵.۲	۴.۹	۰.۵۷۷
۴	اصفهان	۰.۸۴۱	۰.۸۴۸	۰.۸۳۸	۰.۷۴۷	۰.۳۰۸	۶۶۰.۳	۴.۰	۰.۶۳۴
۵	ایلام	۰.۷۸۳	۰.۸۱۸	۰.۷۶۵	۰.۶۷۷	۰.۲۷۷	۶۶۶.۹	۵.۱	۰.۵۹۲
۶	بوشهر	۰.۷۹۰	۰.۷۸۴	۰.۷۹۳	۰.۷۰۸	۰.۲۶۲	۵۸۰.۸	۴.۶	۰.۵۹۷
۷	تهران	۰.۸۸۶	۰.۸۵۶	۰.۹۰۰	۰.۷۵۰	۰.۳۹۵	۱۱۶۷.۴	۳.۷	۰.۶۸۲
۸	چهارمحال و بختیاری	۰.۷۸۱	۰.۸۳۶	۰.۷۵۸	۰.۷۰۵	۰.۲۵۵	۴۲۱.۷	۴.۴	۰.۵۷۵
۹	خراسان	۰.۷۹۰	۰.۷۸۹	۰.۷۹۰	۰.۶۸۲	۰.۲۵۵	۴۹۸.۲	۴.۳	۰.۵۸۰
۱۰	خوزستان	۰.۷۹۶	۰.۷۶۵	۰.۸۱۱	۰.۷۱۷	۰.۲۹۳	۵۰۸.۹	۵.۲	۰.۵۹۵
۱۱	زنجان	۰.۷۳۹	۰.۷۵۴	۰.۷۳۲	۰.۶۹۵	۰.۲۳۵	۵۴۷.۲	۴.۶	۰.۵۷۳
۱۲	سمنان	۰.۸۵۲	۰.۸۶۹	۰.۸۴۴	۰.۷۲۸	۰.۲۸۹	۵۷۴.۴	۳.۸	۰.۶۲۴
۱۳	سیستان و بلوچستان	۰.۵۷۵	۰.۶۰۷	۰.۵۶۰	۰.۶۳۸	۰.۲۱۵	۳۵۶.۷	۵.۱	۰.۴۷۵
۱۴	فارس	۰.۸۱۹	۰.۸۱۷	۰.۸۲۰	۰.۷۲۵	۰.۳۳۱	۵۹۸.۹	۴.۳	۰.۶۱۴
۱۵	قزوین	۰.۷۹۴	۰.۷۶۹	۰.۸۰۷	۰.۷۲۳	۰.۳۰۰	۷۳۵.۱	۴.۱	۰.۶۲۰
۱۶	قم	۰.۸۰۶	۰.۸۱۶	۰.۸۰۱	۰.۷۲۷	۰.۲۸۴	۷۴۲.۱	۴.۱	۰.۶۲۲
۱۷	کردستان	۰.۶۹۰	۰.۷۳۲	۰.۶۶۸	۰.۶۴۷	۰.۲۰۲	۳۹۴.۰	۴.۷	۰.۵۲۲
۱۸	کرمان	۰.۸۰۲	۰.۸۳۰	۰.۷۸۷	۰.۶۹۷	۰.۲۷۴	۶۲۱.۲	۴.۴	۰.۶۰۱
۱۹	کرمانشاه	۰.۷۶۶	۰.۷۹۰	۰.۷۵۴	۰.۶۹۰	۰.۲۱۸	۵۱۰.۸	۴.۶	۰.۵۷۶
۲۰	کهکلبویه و بویر احمد	۰.۷۶۰	۰.۷۸۵	۰.۷۴۸	۰.۶۶۸	۰.۲۲۱	۵۲۳.۱	۵.۱	۰.۵۶۸
۲۱	گلستان	۰.۷۸۹	۰.۸۲۲	۰.۷۷۳	۰.۶۹۸	۰.۲۵۹	۵۲۶.۲	۴.۶	۰.۵۸۸
۲۲	گیلان	۰.۷۹۸	۰.۸۳۱	۰.۷۸۶	۰.۷۵۰	۰.۲۹۳	۸۰۴.۷	۳.۸	۰.۶۳۲
۲۳	لرستان	۰.۷۷۹	۰.۸۰۱	۰.۷۶۸	۰.۶۸۷	۰.۳۴۸	۵۲۸.۶	۴.۸	۰.۵۸۱
۲۴	مازندران	۰.۸۰۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۵	۰.۷۱۵	۰.۲۸۶	۶۷۶.۲	۴.۰	۰.۶۱۳
۲۵	مرکزی	۰.۷۹۴	۰.۸۱۷	۰.۷۸۳	۰.۷۱۳	۰.۲۸۶	۶۷۷.۱	۳.۹	۰.۶۰۹
۲۶	هرمزگان	۰.۷۵۸	۰.۷۷۴	۰.۷۵۰	۰.۷۰۵	۰.۲۶۶	۵۶۳.۱	۴.۸	۰.۵۸۴
۲۷	همدان	۰.۷۶۲	۰.۷۶۰	۰.۷۶۲	۰.۶۹۸	۰.۲۶۵	۵۰۱.۴	۴.۳	۰.۵۷۶
۲۸	یزد	۰.۸۲۴	۰.۸۴۰	۰.۸۳۳	۰.۷۴۰	۰.۲۸۲	۶۱۳.۷	۴.۱	۰.۶۲۶

ماخذ: نتایج تحقیق

تذکر: برای محاسبه درآمد سرانه بر حسب دلار، هزینه سالیانه خانوار (بر حسب ریال) به رقم ۸۵۰۰ ریال تقسیم شده است.

توسعه وابسته به جنس با استفاده از هزینه خانوار (روش پیشنهادی) به ترتیب در جداول ۶ و ۷ آورده شده است.

جدول (۶) مقایسه درآمد تخمینی زنان و مردان با استفاده از تولید ناخالص داخلی و هزینه خانوار (بر اساس اطلاعات سال ۱۳۸۰)

استان	درصدی زنان از جمعیت فعال	درصدی مردان از جمعیت فعال	تخمین درآمد با استفاده از تولید ناخالص داخلی			تخمین درآمد با استفاده از هزینه خانوارها		
			برآورد درآمد کسب شده (میلیارد ریال)	برآورد درآمد کسب شده (میلیارد ریال)	برآورد درآمد کل (میلیارد ریال)	برآورد درآمد کسب شده مردان (دلار)	برآورد درآمد کسب شده زنان (دلار)	
آذربایجان شرقی	۱۹.۲۱	۸۰.۷۹	۳۰۲۸۷.۲	۳۲۲.۲	۱۷۶۵.۳	۱۶۸۳.۱	۱۷۹	۹۸۱
آذربایجان غربی	۱۶.۸۶	۸۳.۱۴	۱۶۲۴۳.۱	۱۸۱.۸	۱۱۵۵.۱	۱۲۲۰.۰	۱۳۶.۵	۸۶۷.۶
اردبیل	۱۵.۳۷	۸۴.۶۳	۷۸۸۴	۱۸۵.۶	۱۳۳۴.۴	۶۸۷.۰	۱۶۱.۷	۱۱۶۲.۹
اصفهان	۱۳.۶۵	۸۶.۳۵	۴۵۴۰.۹	۲۶۴.۸	۲۱۱۸.۲	۲۳۷۹.۳	۱۳۸.۸	۱۱۰۹.۹
ایلام	۱۶.۵۹	۸۳.۴۱	۵۶۶۷.۱	۳۱۴.۷	۲۰۱۹.۵	۳۰۵۶	۱۶۹.۷	۱۰۸۸.۹
بوشهر	۷.۳۱	۹۲.۶۹	۹۵۰۱.۲	۱۵۷.۵	۲۵۸۴.۳	۳۸۹.۰	۶۴.۵	۱۰۵۸.۲
تهران	۱۲.۲۲	۸۷.۷۸	۱۹۳۳۷۴.۳	۳۷۲.۲	۳۳۵۸.۷	۱۱۳۲۴.۹	۲۱۸.۷	۱۹۷۲.۷
چهارمحال و بختیاری	۱۶.۳۲	۸۳.۶۸	۴۹۸۵.۲	۱۸۸.۶	۱۲۶۴.۴	۲۸۲.۱	۱۰۶.۷	۷۱۵.۴
خراسان	۲۲.۲۷	۷۷.۷۳	۴۷۲۵۲.۲	۳۲۷.۲	۱۵۱۳.۷	۲۵۷۶۷	۱۷۸.۴	۸۲۵.۵
حورستان	۱۱.۰۶	۸۸.۹۴	۹۶۴۵۰.۸	۴۲۵.۶	۴۳۸۵.۴	۱۸۸۸۲	۸۳.۳	۸۵۸.۵
زنجبار	۲۱.۱۷	۷۸.۸۳	۶۳۱۴.۸	۲۶۶.۱	۱۳۰۳.۵	۴۳۳.۰	۱۸۲.۴	۸۹۳.۹
سمنان	۹.۱۵	۹۰.۸۵	۵۷۹۹.۹	۱۷۱.۸	۲۱۳۸.۹	۲۶۹۵	۲۹.۸	۹۹۴
سیستان و بلوچستان	۱۰.۴۸	۸۹.۵۲	۸۷۳۹.۷	۷۸.۴	۸۶۴.۴	۶۱۹	۵۴.۹	۶۰۵.۲
فارس	۱۰.۹۶	۸۹.۰۴	۳۲۳۲۳.۹	۱۵۵.۷	۱۶۳۰.۲	۲۰۷۶۶	۱۰۰.۴	۱۰۵۰.۶
قزوین	۸.۲۵	۹۱.۷۵	۱۳۳۳۹.۴	۱۷۱.۳	۲۴۶۹.۳	۶۵۴۲	۹۰.۸	۱۳۰۹.۱
قم	۱۰.۰۲	۸۹.۹۸	۸۱۳۶.۴	۱۵۲.۷	۱۷۳۹.۱	۵۹۹۲	۱۱۲.۴	۱۲۸۰.۸
کردستان	۸.۱۸	۹۱.۸۲	۷۲۰۳.۱	۷۱.۳	۱۰۲۸.۶	۴۹۰.۶	۴۸.۵	۷۰۰.۶
کرمان	۱۵.۳۹	۸۴.۶۱	۲۰۳۰۰	۲۵۸.۳	۱۸۳۴.۰	۱۱۴۷۹	۱۶۶.۱	۱۰۳۷.۱
کرمانشاه	۱۰.۵۷	۸۹.۴۳	۱۰۷۲۱.۲	۱۰۶.۳	۱۱۲۸.۹	۸۳۸.۰	۸۳.۱	۸۸۲.۳
کهگیلویه و بویراحمد	۱۰.۳۲	۸۹.۶۸	۳۰۷۳۱.۴	۸۹۴.۲	۱۰۱۹۲.۱	۲۷۱۲	۷۸.۹	۸۹۹.۵
گلستان	۲۲.۶۰	۷۷.۴۰	۱۰۴۶۵	۲۷۹.۵	۱۲۸۶.۹	۶۸۵۳	۱۸۳	۸۴۲.۷
گیلان	۲۳.۶۹	۷۶.۳۱	۱۸۵۴۸	۳۵۲.۹	۱۵۳۰.۶	۱۵۷۰۵	۲۹۸.۹	۱۲۹۶.۱
لرستان	۱۰.۲۵	۸۹.۷۵	۱۰۴۶۵.۶	۱۱۷.۵	۱۳۲۰.۷	۷۴۴۵	۸۳.۶	۹۳۹.۵
مازندران	۱۶.۰۷	۸۳.۹۳	۲۷۵۴۱.۳	۲۹۳.۲	۲۰۵۵.۵	۱۵۶۲۲	۱۶۶.۳	۱۱۵۶.۹
مرکزی	۷.۸۱	۹۲.۱۹	۱۹۱۸۱.۷	۲۰۵.۶	۳۲۱۸.۸	۷۴۰.۱	۷۹.۳	۱۲۴۱.۹
هرمزگان	۸.۵۶	۹۱.۴۴	۱۴۴۲۹.۵	۱۸۴.۱	۲۴۶۴.۹	۵۷۶۳	۷۲.۵	۹۷۰.۹
همدان	۱۲.۲۸	۸۶.۷۲	۱۱۵۴۳.۳	۱۶۴.۱	۱۳۹۴.۰	۷۲۸۷	۱۰۳.۶	۸۸۰
یزد	۱۵.۷۲	۸۴.۲۸	۹۵۱۱	۳۰۹.۸	۲۰۹۳.۵	۴۲۹۹	۱۴۰	۹۴۶.۲

ماخذ: نتایج تحقیق

۵ - خلاصه و نتیجه گیری

آمال و آرزوی هر کشور و جامعه ای، دست یابی به رفاه و آسایش بیشتر، جبران عقب ماندگی و

جدول (۷) رتبه بندی استانهای کشور بر اساس شاخص پیشنهادی توسعه وابسته به جنس

رتبه	شاخص توسعه وابسته به جنس	سطح زندگی			سطح دانش			طول عمر		
		شاخص درآمد			شاخص تحصیلات			شاخص امید به زندگی مردان		
		شاخص توزیع برابر درآمد	شاخص درآمد مردان	شاخص درآمد زنان	شاخص توزیع برابر تحصیلات	شاخص زنان	شاخص مردان	شاخص توزیع برابر امید به زندگی	شاخص زنان	شاخص مردان
۸	۰.۵۴	۰.۱۶	۰.۳۸	۰.۱۰	۰.۷۵۵	۰.۷۰۶	۰.۸۱۱	۰.۷۱۰	۰.۶۸۷	۰.۷۳۳
۱۸	۰.۵۰	۰.۰۹	۰.۳۶	۰.۰۵	۰.۷۰۵	۰.۶۳۰	۰.۷۹۷	۰.۶۹۰	۰.۶۵۸	۰.۷۳۳
۱۴	۰.۵۳	۰.۱۴	۰.۴۱	۰.۰۸	۰.۷۱۸	۰.۶۵۲	۰.۷۹۶	۰.۷۰۱	۰.۶۷۳	۰.۷۳۰
۳	۰.۵۷	۰.۱۰	۰.۴۰	۰.۰۵	۰.۵۵۲	۰.۸۳۰	۰.۸۷۵	۰.۷۴۷	۰.۷۱۷	۰.۷۷۸
۱۰	۰.۵۳	۰.۱۵	۰.۴۰	۰.۰۹	۰.۷۸۹	۰.۷۵۰	۰.۸۳۲	۰.۶۷۷	۰.۶۴۷	۰.۷۰۸
۲۶	۰.۴۴	۰.۱۸	۰.۳۹	۰.۰۷	۰.۸۱۰	۰.۷۷۷	۰.۸۲۵	۰.۷۰۸	۰.۶۸۳	۰.۷۳۳
۱	۰.۶۳	۰.۲۱	۰.۵	۰.۱۳	۰.۸۸۵	۰.۸۷۳	۰.۸۹۷	۰.۷۵۰	۰.۷۱۸	۰.۷۸۳
۱۵	۰.۵۰	۰.۰۷	۰.۳۳	۰.۰۱	۰.۷۷۷	۰.۷۲۰	۰.۸۴۲	۰.۷۰۵	۰.۶۷۸	۰.۷۳۳
۷	۰.۵۴	۰.۱۵	۰.۳۵	۰.۱۰	۰.۷۹۹	۰.۷۶۰	۰.۸۴۱	۰.۶۸۱	۰.۶۴۸	۰.۷۱۷
۲۰	۰.۴۸	۰.۰۷	۰.۳۶	۰.۰۳	۰.۷۹۱	۰.۷۴۶	۰.۸۳۹	۰.۷۱۶	۰.۶۹۰	۰.۷۴۳
۱۱	۰.۱۳	۰.۱۶	۰.۳۷	۰.۰۱	۰.۷۴۶	۰.۶۹۴	۰.۸۰۵	۰.۶۹۵	۰.۶۶۸	۰.۷۳۳
۱۶	۰.۵۰	۰.۰۹	۰.۳۸	۰.۰۴	۰.۵۷۷	۰.۸۲۹	۰.۸۷۵	۰.۷۲۸	۰.۷۰۰	۰.۷۵۷
۲۸	۰.۳۰	۰.۳۱	۰.۳	۰.۱۰	۰.۵۷۷	۰.۵۰۶	۰.۶۶۸	۰.۶۴۲	۰.۶۰۸	۰.۶۷۸
۱۲	۰.۵۳	۰	۰.۳۹	۰	۰.۸۳۸	۰.۷۹۷	۰.۸۶۰	۰.۷۲۶	۰.۷۰۲	۰.۷۴۸
۱۷	۰.۵۰	۰.۰۳	۰.۳۳	۰.۰۲	۰.۷۹۶	۰.۷۵۴	۰.۸۴۲	۰.۷۳۱	۰.۷۰۲	۰.۷۶۰
۱۳	۰.۵۳	۰.۰۴	۰.۳۳	۰.۰۲	۰.۸۱۵	۰.۷۸۰	۰.۸۵۲	۰.۷۳۷	۰.۷۰۲	۰.۷۵۳
۲۷	۰.۳۱	۰.۰۴	۰.۳۳	۰.۱۲	۰.۶۸۶	۰.۶۰۸	۰.۷۸۴	۰.۶۴۷	۰.۶۲۰	۰.۶۷۵
۹	۰.۵۳	۰.۱۱	۰.۳۹	۰.۰۶	۰.۸۰۷	۰.۷۸۴	۰.۸۳۱	۰.۶۹۶	۰.۶۷۰	۰.۷۳۳
۲۲	۰.۴۷	۰.۰۷	۰.۳۶	۰.۰۳	۰.۷۸۳	۰.۷۳۴	۰.۸۳۶	۰.۶۸۹	۰.۶۵۷	۰.۷۳۳
۲۴	۰.۴۵	۰.۰۹	۰.۳۷	۰.۰۴	۰.۷۶۷	۰.۷۱۰	۰.۸۳۱	۰.۶۶۶	۰.۶۲۸	۰.۷۰۷
۶	۰.۵۵	۰.۱۶	۰.۳۶	۰.۱۰	۰.۷۹۰	۰.۷۴۶	۰.۸۴۰	۰.۶۹۷	۰.۶۷۳	۰.۷۳۵
۲	۰.۶۰	۰.۳۶	۰.۴۳	۰.۱۸	۰.۸۰۷	۰.۷۷۲	۰.۸۴۴	۰.۷۴۹	۰.۷۱۸	۰.۷۸۳
۲۳	۰.۴۶	۰.۰۷	۰.۳۷	۰.۰۳	۰.۷۷۲	۰.۷۳۳	۰.۸۳۸	۰.۶۸۶	۰.۶۵۳	۰.۷۳۳
۵	۰.۵۵	۰.۱۴	۰.۴۱	۰.۰۸	۰.۸۰۳	۰.۷۷۳	۰.۸۳۷	۰.۷۱۵	۰.۶۹۳	۰.۷۴۰
۲۱	۰.۴۸	۰.۰۹	۰.۳۳	۰.۰۴	۰.۸۰۲	۰.۷۶۰	۰.۸۴۸	۰.۷۱۴	۰.۶۸۸	۰.۷۴۳
۲۵	۰.۴۵	۰.۱۳	۰.۳۸	۰.۰۵	۰.۷۶۳	۰.۷۱۷	۰.۸۱۲	۰.۷۰۵	۰.۶۷۸	۰.۷۳۳
۱۹	۰.۴۹	۰.۰۱	۰.۳۶	۰.۰۱	۰.۷۶۸	۰.۷۳۵	۰.۸۱۶	۰.۶۹۸	۰.۶۷۰	۰.۷۲۸
۴	۰.۵۶	۰.۰۱	۰.۳۸	۰.۰۶	۰.۸۲۵	۰.۸۱۱	۰.۸۵۹	۰.۷۴۰	۰.۷۱۲	۰.۷۶۸

ماخذ: نتایج تحقیق

کاهش آلام و بدبختیها و به عبارتی زندگی بهتر و برتر است. مسلماً، رسیدن به چنین اهدافی نیازمند توسعه ای معتدل و پایدار است که در آن به تمامی ابعاد و جنبه های توسعه به طور همزمان توجه شده باشد. از میان ابعاد مختلف توسعه، بحث انسان و منابع انسانی جایگاه منحصر به فرد و بی بدیلی دارد. چراکه، از انسان هم به عنوان هدف توسعه و هم به عنوان ابزار توسعه یاد می شود. بر این اساس شاخص توسعه انسانی که از سه بعد کیفی سطح دانش، طول عمر و سطح زندگی افراد تشکیل شده است، از اهمیتی خاص برخوردار است.

هر چند شاخص توسعه انسانی به دلیل استفاده از سنجه های کیفی و نتیجه مدار، از مقبولیت قابل توجهی برخوردار است، ولی نتایج حاصل از تحقیق در سطح استانهای کشور (قرار گرفتن استانهای تهران، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، اصفهان و یزد به عنوان برترین استانها از نظر سطح توسعه انسانی) بیانگر عدم انطباق کامل بین نتایج حاصل و واقعیات موجود در ارتباط با توسعه یافتگی استانها می باشد. دلیل این امر را می توان به ضعفهای شاخص توسعه انسانی از جمله عدم بی توجهی به وضعیت گروههای خاص جمعیتی، استفاده از متوسطهای ملی یا منطقه و...، مربوط دانست. این گونه مسائل سبب گردیده تا شاخص مذکور نتواند تمام ابعاد و واقعیتهای مربوط به توسعه منابع انسانی را پوشش دهد. از این رو مطالعه در مورد به کار گیری سنجه های جایگزین و نیز فراهم نمودن منابع اطلاعاتی جهت محاسبه شاخصهای تکمیلی به منظور ارزیابی بهتر و دقیقتر توسعه منابع انسانی از ضروریات محسوب می گردد.

بر این اساس در مقاله حاضر، جهت محاسبه سنجه درآمد سرانه، از اطلاعات هزینه خانوارها به جای تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. بررسیهای متعدد نشان می دهد، در مواردی که هدف توسعه انسانی، رفاه و عدالت اجتماعی است هزینه های مصرفی سرانه به مراتب قابل اعتماد تر از درآمد سرانه است. به ویژه آن که در کشور های در حال توسعه، آمارهای مرتبط به درآمد، به دلیل عدم اظهار درآمدهای واقعی توسط افراد از اعتباری چندانی برخوردار نیستند. بنا براین استفاده از اطلاعات هزینه ای برای مقایسه و رتبه بندی توسعه انسانی به واقعی تر کردن نتایج حاصل کمک خواهد کرد.

خلاصه نتایج تحقیق به شرح زیر است:

- بر اساس شاخص توسعه انسانی پایه محاسبه شده به روش متعارف، استانهای تهران، کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، اصفهان و یزد در رده های برتر قرار دارند.
- در سنجه امید به زندگی، استانهای تهران، گیلان، اصفهان، یزد و قزوین برترین استانهای کشور می باشند.
- در سنجه آموزش (سطح تحصیلات)، برترین استانهای کشور، استانهای تهران، سمنان، اصفهان، یزد و فارس محسوب می گردند.
- در سنجه درآمد سرانه که بر مبنای تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است، استانهای کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، تهران، مرکزی و هرمزگان، استانهای پیشرو به حساب می آیند.

- با استفاده از روش پیشنهادی و اطلاعات هزینه ای، استانهای تهران، اصفهان، گیلان، یزد و سمنان به عنوان استانهای برتر از نظر شاخص توسعه انسانی در سطح کشور قرار می گیرند.
- در سنجه درآمد سرانه که بر مبنای این روش محاسبه شده است، استانهای تهران، گیلان، قم، قزوین و مرکزی، در رده های برتر کشور قرار دارند.
- در شاخص توسعه وابسته به جنس که بر اساس روش پیشنهادی محاسبه شده است، استانهای تهران، گیلان، اصفهان، یزد و مازندران برترین استانها محسوب می گردند. بدین مفهوم که در توسعه انسانی خود دارای کمترین نابرابریهای میان زنان و مردان می باشند.

منابع و مأخذ

- برنامه توسعه سازمان ملل متحد. (۱۳۸۲). گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳. ترجمه حسین غفرانی، امیر عباس فتاح زاده، یاسر مالی، فرشاد مومنی و محمدرضا واعظ مهدوی، تهران، مؤسسه فرهنگی ابن سینا با همکاری معاونت امور اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و برنامه توسعه ملل متحد.
- برنامه توسعه سازمان ملل متحد. (۱۳۷۴). گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ (جدولها و گزیده ای از متن). ترجمه قدرت ا. . . معمار زاده، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارك اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.
- حقی، محمد علی. (۱۳۷۱). شاخصهای کالبدی و طرح ریزی سرزمینی، مجموعه مقاله های اولین کنفرانس بین المللی طرح ریزی کالبدی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- مرکز آمار ایران، سالهای مختلف، سالنامه آماری کشور، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۰). آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۰). آمارگیری از درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.

United Nations Development Programme. (1995), *Human Development Report 1995*. New York: Oxford University Press.

United Nations.(2002). *Population Ageing Report*. New York: United Nations.

————— (2003), *Human Development Report 2003: Millennium Development Goals: A Compact among Nations to End Human Poverty*. New York: Oxford University Press.

————— (2004), *Human Development Report 2004* , New York, Oxford University Press.

————— (2005). *Human Development Report 2005* , New York, Oxford University Press.

United Nations Development Programme (UNDP). (2006). *Human Development Report 2006*, a publication of the World Bank and Oxford University Press.